**دانشجوی سیاسی**

پدید آورنده : علیرضا محمدی ، صفحه 30

|  |
| --- |
| مشارکت سیاسی، یکی از مهم ترین و اساسی ترین مطالبات دانشجویی کشور است. مقام معظم رهبری همواره بر ضرورت فعالیت سیاسی دانشجویان و شرکت فعال و مثبت آنان در مباحث سیاسی، تأکید دارند. بر این اساس، «تبیین دقیق سیاسی بودن دانشجو، ضرورت و ویژگی ها و حدود آن در نظام اسلامی»، موضوع اصلی نوشتار حاضر می باشد. در این زمینه تلاش می شود تا از مباحثی پیرامون چیستی مشارکت سیاسی و عوامل و سطوح مختلف آن، زندگی سیاسی دانشجویان و عوامل و زمینه های مؤثر بر آن، کارکردها و نقش دانشگاه و دانشجو، آموزه های اسلامی پیرامون ضرورت و چگونگی مشارکت سیاسی و... استفاده شود.  **تبیین سیاسی بودن دانشجو**  دانشجوی سیاسی مطلوب در نظام اسلامی، به کسی اطلاق می شود که در دانشگاه به درجه بالایی از بینش و درک سیاسی رسیده، در قبال سرنوشت خود، جامعه و مسائل سیاسی، حساسیت لازم را داشته باشد. سیاسی بودن دانشجو، بدین معناست که یک دانشجوی متعهد، تنها نباید در محور مسائل فردی و شخصی خود متمرکز باشد و از رویدادهای جامعه و جهان غافل گردیده، نسبت به آنها بی تفاوت باشد؛ بلکه باید با اصول و مبانی منطقی و معقول، به تحلیل حوادث و رویدادهای جهانی و داخلی بپردازد و موضع مناسب و قاطع اتخاذ کرده، حساسیت لازم را دارا باشد؛ آن گونه که حضرت امام (ره)، همواره از دانشجویان و دانشگاهیان انتظار داشتند که همچون ناظری بصیر و آگاه، هوشمندانه و متعهدانه، عملکردها و تصمیم گیری ها را مورد توجه قرار دهند و با نقادی دلسوزانه، خطا و لغزش احتمالی را گوشزد نمایند و همچون مشاوران و کارشناسانی امین، مساعدت خویش را از دست اندرکاران و مجریان امور دریغ نکنند. همچنین در رخدادها و مراحل حساس و تعیین کننده ای همچون انتخابات، همراه با دیگر بازوان فکری جامعه، با ارائه ملاک ها و معیارهای صحیح، مردم را برای مشارکت و حضور موءثر در سرنوشت خویش مدد رسانند و با جهت گیری ها و خلق بسترهای اجتماعی - فرهنگی، تسهیل کننده راه تحکیم مقاومت ملی و انقلابی امت اسلام، در برابر جهان خواران باشند و به مدد قدرت فنی و دانش خویش، در تشخیص و افشای ترفندهای دشمنان، لحظه ای درنگ به خود راه ندهند.1 حضرت آیة الله خامنه ای نیز چنین تصریح می کند: «مسئولیت بزرگ دانشجویان بسیجی، تحلیل درست، بررسی کارشناسانه و ریشه یابی مسائل اساسی کشور و جهان اسلام و حضور هوشیارانه، بانشاط و فعال در صحنه است».2  **مشارکت سیاسی**  مهم ترین و اساسی ترین خواست دانشجوی سیاسی، مشارکت سیاسی است؛ مشارکت سیاسی (Political Participation) در اصطلاح سیاسی، به معنای تلاش شهروندان، برای انتخاب رهبران خویش، شرکت موثر در فعالیت ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر صورت بندی و هدایت سیاست دولت می باشد.3 در واقع، مشارکت سیاسی، مجموعه ای از فعالیت ها و اعمالی است که شهروندان به وسیله آن، در جست وجوی نفوذ یا حمایت از حکومت و سیاست خاصی هستند.4 افراد یک جامعه، به سه گونه مختلف با نظام سیاسی رابطه دارند؛  1. بعضی صرفاً به حمایت و حفاظت از دولت عمل می پردازند و رفتار خود را بر اساس نیازها و تقاضاهای حکومت تنظیم می کنند و در واقع، مشارکت حمایتی (Support participation)دارند.  2. برخی در تلاش برای اصلاح یا تغییر نظام و یا حداقل تصمیم و جهت نظام حکومتی هستند.  3. برخی دیگر نیز برخلاف دو گروه فوق، مواضع انفعالی (Passive)و یا بی طرفانه دارند.  بعضی از نویسندگان، سه نوع رفتار سیاسی فوق را به دو دسته مشارکت فعال و مشارکت انفعالی، تقسیم کرده اند.5  **سطوح مشارکت سیاسی**  مشارکت سیاسی شهروندان، مفهومی دارای سلسله مراتب است که از سطوح متعددی تشکیل شده و تعیین کننده میزان شدت و ضعف مشارکت سیاسی افراد می باشد.6 در یک جمع بندی، مهم ترین این سطوح عبارتند از:  1. رأی دادن و شرکت در گزینش و انتخاب مسئولین سیاسی و اجتماعی.  2. آزادی بیان و شرکت در تشکل های فعال سیاسی و نقد و ارزیابی عملکرد نهادها، مسئولین و ساختار حکومتی.  3. نامزد شدن جهت پست ها و کرسی های سیاسی و فعالیت آزاد انتخاباتی.  4. دخالت و مشارکت در تغییرات و اصلاحات درون ساختاری.  5. اقدام و عمل برای تغییرات بنیادین نهادها و ساختارهای نظام حکومتی.  از آن جا که میزان تحقق سطح پنجم مشارکت سیاسی در مقایسه با سطوح دیگر، بسیار اندک می باشد و معمولا مشارکت سیاسی، دخالت ها، فعالیت ها و مشارکت ها، در درون ساختار و نظام سیاسی است، از این رو، واژه «مشارکت سیاسی»، غالباً در یکی از چهار سطح نخست مشارکت به کار می رود.7  **عوامل مشارکت سیاسی**  عوامل متفاوتی در میزان مشارکت سیاسی افراد و جوامع مختلف، تأثیرگذار می باشند.8 براساس مدارک و شواهد فراوان، مشارکت سیاسی در تمام سطوح، بر طبق پایگاه اجتماعی- اقتصادی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، ناحیه و محل سکونت، شخصیت و محیط سیاسی یا زمینه ای که در آن مشارکت صورت می گیرد، فرق می کند.9 این عوامل معمولاً در محورهایی نظیر وضعیت اقتصادی، سیستم سیاسی، فرهنگ سیاسی، آداب و رسوم و باورهای دینی و مذهبی جمع بندی می گردد.10  **دانشجویان و سیاست**  بررسی رابطه دانشجویان با سیاست و شناسایی عوامل و زمینه های موثر بر آن، از ابعاد مختلف، قابل تحلیل و ارزیابی است. از دیدگاه مارکوزه، هابرماس و فوکو، دانشجویان، دارای سه ویژگی و خصیصه اصلی هستند که می توانند پتانسیل و ظرفیت جنبش های اجتماعی جدید باشند که عبارتند از:  1. خصیصة سنتی؛ دانشجویان جوان هستند و جوانی برای خود ویژگی هایی دارد. عمده ترین ویژگی جوانی، این است که جوانی، سن هیجان ها و انرژی های متراکم است و جوان می خواهد تا این انرژی متراکم و هیجان انباشته را در جایی تخلیه کند و از این جهت، سن دانشجویی، مقتضی تحرک و حرکت های انقلابی است.  2. ویژگی معرفتی؛ چون دانشجو با معرفت ها و اطلاعات تازه سر و کار دارد و از لحاظ روشی نیز روش انتقادی و تحلیلی را دنبال می کند، از این رو، به وضع موجود، رضایت نمی دهد و با آن درگیر است؛ پرسش گر و انتقادگر است و این ویژگی باعث می شود تا دانشجو به عنوان محور اصلی تحرکات اجتماعی شناخته شود.  3. دانشجو، محافظه کار نیست. افرادی مثل مارکوزه و دیگران می گفتند که طبقات اجتماعی به علت وابستگی به کار، شغل و درآمد، محافظه کارند؛ اما دانشجو چون کار و اشتغال ندارد، محافظه کار نیست؛ آرمان خواه است و در راه آرمانش، هزینه می کند و خیلی آسان، به هزینه کردن رو می آورد.11  از نظر اقتصادی و اجتماعی، دانشجویان در جوامع معاصر، گروه های حاشیه نشینی هستند که در طی دوران دانشجویی، جایگاهی در درون شیوه تولید و متن روابط اقتصادی جامعه ندارند و به عنوان نیروی کار فوق العاده آینده، از منابع بخش عمومی یا بخش خصوصی استفاده می کنند. از دیدگاه اجتماعی، ویژگی های زندگی دانشجویی عبارتند از: دور افتادگی از خانواده، احساس گسیختگی و آزادی در انتخاب راه زندگی، زندگی دسته جمعی در خوابگاه ها، زندگی نامطلوب جنسی و تراکم انرژی جنسی- حیاتی و دورافتادگی از متن واقعی زندگی اجتماعی.12 چنین شرایطی، در کنار بهره مندی از سن جوانی، همراه با شور و هیجان و تحرک، وارد شدن در جرگه روشنفکری، به دلیل شروع تحصیلات عالی و آشنایی نزدیک و نسبتاً نظام مند با مسائل اجتماعی و سیاسی، بهره مندی از فرصت تحلیل های دسته جمعی خوابگاهی، پیرامون شرایط اجتماعی و سیاسی داخلی و جهانی و...، جنبش های دانشجویی را در وضعیتی قرار می دهد که اغلب خصلتی آرمان گرایانه پیدا می کنند.13 اساساً نوع زیست دانشجویی به گونه ای است که زمینه ای مساعد برای پیدایش جنبش های اجتماعی ضد سنتی، عدالت خواهانه و آرمان گرایانه، پدید می آورد.14 در حقیقت، تجمعِ بخشی از نیروهای آگاه جامعه که از سطح تحصیلی نسبتا بالا و روحیه کنکاش و بررسی علمی برخوردارند، وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روند مناسبات اجتماعی را در معرض نقادی قرار می دهد. ذهن نقّاد و حسّاس دانشجو، وی را به تفکر و تامّل نسبت به مشکلات جامعه می کشاند؛ به این معنی که میزان مشکلات موجود در جامعه، بر میزان شدت و یا کاهش انتقادها، اعتراض ها و فعالیت سیاسی دانشجویان تأثیر می گذارد. هر چه مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بیشتر باشد، میزان اعتراض ها و انتقادهای دانشجویان نیز بیشتر و شدیدتر خواهد بود و برعکس، اگر میزان مشکلات بزرگ در جامعه کمتر باشد، جنبش های دانشجویی نیز اصلاحات و انتقادهای محدودتری خواهند داشت.15  از دیدگاه فرهنگی و سیاسی نیز در جوامعی که نظام ارزشی، اجتماعی و سیاسی آنان آمیختگی تنگاتنگی با دین و آموزه های دینی داشته باشد و دخالت در سیاست را از وظایف فردی و اجتماعی بداند و نظام حاکم نیز بر مشارکت و حساسیت دانشجویان در امور سیاسی تأکید داشته، زمینه های مناسب را فراهم آورد، بر ارتقای کمی و کیفی مشارکت سیاسی آنان به شدت تأثیرگذار می باشد و دانشجویان انگیزه بیشتر و جدی تری در قبال تحولات سیاسی خواهند داشت.  **ضرورت سیاسی بودن دانشجو**  در مورد سیاسی بودن دانشجو و این که آیا لازم است دانشجو علاوه بر فعالیت های علمی و پژوهشی خویش، مشارکت سیاسی داشته باشد، سه تفکر وجود دارد که عبارتند از:  1. عده ای مخالف سیاسی بودن دانشجو و هرگونه فعالیت سیاسی او هستند. مقام معظم رهبری می گوید: «در محیط دانشگاه، بعضی ها حوصله حرکت ندارند؛ می گویند بگذار کارهایمان را بکنیم؛ درسمان را بخوانیم؛ زودتر این ورق پاره را بگیریم و مثلاً دنبال کاری برویم... اینها مشمول... بیداری، خیزش و حرکتی که عنوان دانشجویی دارد، نیستند».16  2. برخی دانشجوی سیاسی پیرو و کاملاً فاقد درک و بینش سیاسی را می خواهند تا به عنوان ابزاری، افکار آنها را در سطح دانشگاه تبلیغ کند و به اصطلاح، به عنوان «توپخانه ومهمات سیاسی»17 عمل کند. ترویج کنندگان چنین تفکری، اغلب جریان های سیاسی، احزاب و باندهایی هستند که درصدد کسب قدرت، به هر وسیله بوده و با استفاده از جایگاه مهم دانشگاه و موقعیت حساس دانشجویان، اهداف نامشروع و غیرقانونی خود را، حتی با نادیده گرفتن امنیت ومنافع ملی، در جهت تضعیف نظام اسلامی و مردمی کشورمان تعقیب می کنند.  3. دسته سوم با رویکردی واقع بینانه، با توجه به جایگاه دانشگاه و دانشجو و نقش مهم آن در ساختار اساسی کشور، بر ارتقای سطح بینش و تحلیل سیاسی دانشجویان، حفظ استقلال و مشارکت سیاسی مناسب با نقش و کارکردهای دانشجویی، تأکید و اهتمام دارند.  **مهم ترین دلایل**  در یک جمع بندی، مهم ترین دلایل ضرورت سیاسی و لزوم مشارکت سیاسی دانشجویان، عبارتند از:  **1. آموزه های اسلامی**  در نگاه دینی و با مراجعه به منابع و مبانی اسلامی، مشارکت سیاسی و حساسیت نسبت به امور جامعه، به عنوان یک حق، وظیفه و تکلیف همگانی، مورد اهتمام آموزه های دین مبین اسلام می باشد و در آموزه های متعددی نظیر مقام خلیفه اللهی انسان، بیعت با حاکم، امر به معروف و نهی از منکر، عنصر مشورت، پاسخ گویی حاکمان به مردم و نظارت بر قدرت سیاسی و...، تبیین گردیده است.18 براساس جهان بینی اسلامی و آیه شریفه «اِنِّی جَاعِلٌ فِی الاَرضِ خَلیِفَه»؛19 انسان، جانشین خدا در زمین و موجودی آزاد و خودمختار است و این آزادی و اختیار، آن گاه که با آگاهی و قدرت همراه گردد، مسئولیت را به بار می آورد. از این منظر انسان در برابر خدا، خود، انسان های دیگر و طبیعت مسئول است. شهید صدر در تفسیر آیه فوق می نویسد: «خلافت انسان درقرآن، در حقیقت، شالوده حکومت انسان بر هستی است و حکومت میان مردم، همه از ریشه همان خلافت سرچشمه می گیرد... حق حاکمیت ملی نیز به عنوان خلیفة الله بودن انسان ها، می تواند مشروع و قانونی باشد».20 این مسئولیت، از سویی سبب می شود تا انسان در قبال سرنوشت، کمال و سعادت خویش، احساس وظیفه کند و از سویی دیگر، چون به تعامل و تأثیر و تأثّر خود با اجتماع واقف است، خود را نسبت به اجتماع مسئول بداند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید: «اَلَا کُلُّکُم رَاعٌ وَ کُلُّکُم مَسئُولٌ عَن رَعیتِه؛ شما همه ناظر و راهبر و نسبت به یکدیگر، مسئول هستید». علامه محمدتقی جعفری، آموزه دینی شورا و مشورت را نشانه جایگاه خاص مردم در تعیین سرنوشتشان می داند.21 برخی مفسرین نیز نقش اراده و اختیار انسان در تعیین سرنوشت سیاسی خویش را فراتر از بحث شورا، در تمام مباحث اجتماعی قرآن و فقه سیاسی جاری می دانند.22  از سوی دیگر، مشروعیت حکومت دینی، امری الهی بوده، بستگی به قبول و نفی مردم ندارد؛ اما در عین حال، مقبولیت حکومت که از رهگذر رضایت عمومی و مشارکت همگانی و در قالب بیعت مردم با رهبر جامعه تحقق می یابد، همواره مورد اهتمام پیشوایان دینی بوده، در فقه سیاسی اسلام مورد توجه و بحث قرار گرفته است؛23 چنان که حضرت علی علیه السلام هنگام بیعت مردم با وی، حق حاکمیت و تعیین حاکم را از حقوق اختصاصی و مسلم مردم عنوان کرده، فرمود: «ای مردم! تعیین حاکم، جزء حقوق شماست و کسی نمی تواند بر مسند حکومت بنشیند؛ مگر آن که شما او را انتخاب کنید. من به عنوان حاکم، تنها امین و کلیددار شما هستم».24 حضرت امام (ره) نیز چنین تصریح می کند: «از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد».25  سرانجام این که یکی دیگر از مهم ترین حقوق های دولت بر مردم و از وظایف سیاسی افراد در جامعه، مسئولیت نظارت و نصیحت زمامداران و حکومت اسلامی است.26 بنابراین، از دیدگاه دینی و با مراجعه به منابع و مبانی اسلامی، مشارکت سیاسی فعّال و حساسیت نسبت به سرنوشت خود و جامعه، نه تنها یک حق، بلکه یک تکلیف حتمی، ضروری و «ارزشی مطلوب» برای دانشجویان و عموم جامعه است.27  **2. حقوق اساسی**  در اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت سیاسی عموم مردم، به رسمیت شناخته شده و راهکارهای تحقق آن، در نظر گرفته شده است.28 در اصل پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چنین می خوانیم: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان، از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت، این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می آید، اعمال می کنند». در اصل ششم نیز آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود؛ از راه انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها یا از راه همه پرسی». اصل بیست و ششم قانون اساسی نیز این گونه مقرر می دارد: «احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده، آزادند؛ مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند؛ هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت».  **3. کارکردهای اجتماعی**  تبیین کارکردهای دانشگاه، به عنوان یکی از مهم ترین بخش های ساختار فرهنگی کشور و نقشی که دانشجو در این زمینه به عهده دارد؛ به خوبی مبین ضرورت مشارکت سیاسی دانشجویان می باشد. از دیدگاه اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی و با توجه به نظریه مشهور «ساختارگرا کارکردی»، دانشگاه، کارکرد و نقش مؤثری برسایر ساختارهای جامعه ایفا می نماید؛ چنان که تالکوت پارسونز، با ترسیم یک نظام سلسله مراتبی سیبرنتیک، معتقد است که کار ویژه نظام فرهنگی، کنترل و نظارت از طریق تولید دانش و اطلاعات است؛ که با ایفای نقش فرهنگی مطلوب خویش، نظام سیاسی را جهت دهی و هدایت می کند و برای نظام اقتصادی نیز قابلیت های لازم را تأمین و نیروی انسانی مورد لزوم را تربیت می کند و ظرفیت انطباق نظام را با محیط افزایش می دهد. همچنین برای نظام اجتماعی نیز الگو و راهنمای عمل خواهد بود. به عبارت دیگر، کارکرد نظام اجتماعی، حفظ انسجام و ثبات یک جامعه است و کارکرد نظام سیاسی، تحقق اهداف تعهدآور یک نظام است و نظام اقتصادی، به دنبال انطباق نظام با محیط اطراف می باشد و دانشگاه محلی است که ظرفیت انطباق با محیط، اعم از فیزیکی و اجتماعی را افزایش داده و عوامل تسلط و کنترل بر آن، به منظور رفع نیازهای انسانی را فراهم می سازد و نیز نقش مهمی در اهداف سیاسی و استراتژی نظام سیاسی و تأمین الگوی ثبات اجتماعی برعهده دارد.29 بر این اساس، دانشگاه، جزیره ای مستقل از جامعه نیست و ضمن تأثیرپذیری از نظام سیاسی، توانایی مهمی در تأثیرگذاری بخش های مختلف آن دارد. هنگامی تحصیل کرده یک محیط علمی قادر خواهد بود برای سامان دادن به مدیریت نظام اجتماعی،سیاسی، اقتصادی و...، کارایی علمی مطلوب و مؤثری داشته باشد که همگام با کسب دانش های روز، نسبت به موضوعات اساسی کشور و نحوه مدیریت آن، حساسیت لازم را داشته باشد و از نزدیک با مشکلات و مسائل اجتماعی جامعه خود نیز آشنا باشد و عملاً مشکلات را شناسایی کند و راه رسیدن به این مقصود، حضور و مشارکت فعال دانشجویان در دل اجتماع است و در صورت آگاهی از مناسبات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی به تبع آن احساس مسئولیت برای هدایت جامعه و انسان است که بدین وسیله، یافتن راه درمان دردها با استمداد از آموخته ها و تجربیات نظری و علمی، برای دانشجو میسر می شود.30  از سوی دیگر، یکی از کارکردهای دانشجویان، ایفای نقش الگویی برای هم سن وسالان خویش است؛ زیرا آنان از توانایی قابل توجهی در تأثیرگذاری بر اطرافیان و خانواده های خود برخوردارند و مهم تر آن که بسیاری از دانش آموختگان دانشگاه، وارد بازار کار و عرصه اجرایی و مدیریتی کشور خواهند شد؛ از این رو، نوع رفتار و جهت گیری های آنان در قبال مسائل سیاسی کشور، از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد.  **4. توسعه و کارآمدی نظام**  امروزه مشارکت و همیاری در زمینه های گوناگون اجتماعی، از ملاک های توسعه، پیشرفت و کارآمدی نظام محسوب می گردد. هر اندازه مردم و به خصوص طبقات تحصیل کرده، در تصمیم سازی ها، و تصمیم گیری ها و برعهده گرفتن مسئولیت ها، سهم بیشتری داشته باشند، توسعه، پیشرفت و کارآمدی، بیشتر خواهد بود. ارتباط مشارکت سیاسی با بحث توسعه سیاسی به حدی است که برخی از متفکران، عامل اصلی توسعه سیاسی را مشارکت سیاسی دانسته، بر این اساس، نظام های سیاسی را تقسیم کرده اند.31  **ویژگی های دانشجوی سیاسی**  دانشجوی سیاسی مطلوب، در جهت انجام مشارکت سیاسی خود در سطح دانشگاه و جامعه اسلامی، از خصوصیات ممتازی برخوردار می باشد؛ برخی از ویژگی ها عبارتند از :  **1. کسب بینش و تحلیل سیاسی**  مشارکت سیاسی و حساسیت نسبت به امور سیاسی، نیازمند بینش و آگاهی های سیاسی دقیق، تحلیل صحیح و منطقی قضایا و تفسیر و تأویل رفتار شخصیت ها، دولت ها و جریانات، شرایط داخلی و بین المللی می باشد. امام علی علیه السلام می فرماید : «مَن عَرَفَ الاَیام لَم یغفل عَن الِاستِعدَاد؛ کسانی که آشنایی با شرایط و اوضاع زمانه دارند، از فراهم کردن و کسب آمادگی های لازم، غافل نمی شوند».32 مقام معظم رهبری نیز در این زمینه می فرماید: «یک نکته اساسی... که من همیشه در مواجهه با دانشجویان، روی آن تکیه می کنم و آن، پیدا کردن قدرت تحلیل مسائل و جریان های مهم کشور است. سیاست در دانشگاه ها - که بنده همیشه روی آن تأکید کرده ام - به این معناست. ما دو کار سیاسی داریم؛ سیاست زدگی و سیاست بازی. این، یک جور کار است. این را من به هیچ وجه، تأیید نمی کنم؛ نه در دانشگاه و نه در بیرون دانشگاه؛ به خصوص در دانشگاه؛ یکی هم سیاست گری است؛ یعنی حقیقتاً فهم و قدرت تحلیل سیاسی پیدا کردن که یکی از وظایف تشکل های دانشجویی این است. من تأکید می کنم؛ تشکل های دانشجویی... نوع برنامه ریزی و کار را به کیفیتی قرار دهید که دانشجو، قدرت تحلیل سیاسی پیدا کند؛ هر حرفی را به آسانی نپذیرد و هر احتمالی را به آسانی در ذهن خودش راه ندهد یا رد نکند. این قدرتِ تحلیل سیاسی، خیلی مهم است. ما غالباً چوب این را خورده ایم؛ نه ما، بلکه ملت های دیگر هم بر اثر خطاها و خبط هایی در فهم سیاسی شان، گاهی مشکلات بزرگی را از سر گذرانده اند. این، یک مسئله مهم است».33 بر این اساس، داشتن قدرت تحلیل سیاسی و قبل از آن، آگاهی صحیح و دقیق از پدیده های اجتماعی و اتخاذ موضع آگاهانه، صحیح، مناسب و برخاسته از مبانی اسلامی و عدم تبعیت از هوای نفس، از دیگر ویژگی های دانشجوی سیاسی است».34  **2. ارتقای معرفت دینی و معنویت**  دانشجوی سیاسی، همواره درصدد ارتقای سطح معرفت دینی و معنویت خویش و محیط دانشگاه و جامعه است. از این دیدگاه، یک دانشجوی سیاسی وظیفه دارد تا پس از شناخت مبانی فکری اسلام، به خودسازی و تهذیب نفس خود که از مهم ترین زمینه های رشد و توسعه سیاسی فرد و جامعه است، بپردازد و پس از آن است که می تواند به فرهنگ و جامعه خود، خدمت کند. مقام معظم رهبری با تأکید بر «عمق بخشیدن به معرفت دینی» در بین دانشجویان، می فرماید: «باید کار معرفتی عمیق انجام بگیرد... برای این که ما بتوانیم به این آینده های مطلوب برسیم، احتیاج به نسل جوانِ باهمتِ پُرانگیزه موءمنِ تلاشگرِ کاردانِ راه بلد داریم. یکی از شرایط اصلی اش، موءمن بودن و متقی بودن است؛ این که می گوییم تشکل های اسلامی و محیط های دانشجویی، معارف و معرفت اسلامی را در خودشان عمق ببخشند، برای این است که بتوانند این بار سنگین را بر دوش بگیرند و به منزل برسانند؛ والّا نمی شود. این، نکته و حرف اصلی ما با مجموعه های دانشجویی است».35  **3. آرمان گرایی**  دانشجوی سیاسی به واسطه بیداری و آگاهی دینی وخصیصه آرمان خواه خود، همواره در پی زنده کردن آرمان های مقدس انسانی و اسلامی است. گاهی به واسطه گذشت زمان و ظهور نسل جدید، ارزش هایی همچون عدالت خواهی، آزادی خواهی، مساوات طلبی و برابری انسانی، آزادی، مبارزه با تبعیض، انحصارطلبی و استکبار، کم رنگ و یا فراموش می شوند؛ در این جاست که دانشجوی سیاسی می تواند ارزش ها و آرمان های مقدس را متذکر شده، جامعه را از حرکت های واپس گرایانه، رهایی بخشد. بر این اساس، رهبر معظم انقلاب، دانشجویان و حرکت های دانشجویی را به آرمان گرایی رهنمون ساخته، چنین می فرماید: «طبیعت دانشجو، آرمان گرایی است؛ باید هم آرمان گرا باشد. اگر آرمان گرا نباشد، این حرکت، متوقف خواهد شد. در زمینه، علم هم باید آرمان گرا باشد. در زمینه جامعه و مسائل جاری خودش هم باید آرمان گرا باشد. اصلاً آرمان گرایی جوان، مایه پیشرفت است. اگر آرمان گرایی را در جوانان خفه کردند و کوبیدند و از بین بردند - یا زشت شمردند - اشکال بزرگی متوجه خواهد شد. این، نباید باشد». و در جایی دیگر چنین تذکر می دهد: «ممکن است دسترسی به یک آرمان، میسّر هم نباشد، اما رها کردن آن آرمان هم جایز نباشد؛ لذا نگاه آرمانیِ شما و توقعاتی که ناشی از این نگاه هست، این برای ما مطلوب است. این را می خواهیم و باید باشد».36  **4. پرسش گری و انتقاد**  بی تردید، پرسش گری و انتقاد سازنده، لازمه تفکر، پویایی و پیشرفت است. دانشجو در دانشگاه می آموزد که در برابر هر چه می شنود و می بیند، چون و چرا بگذارد؛ اما و اگر کند؛ بپرسد و علت یابی کند؛ هر خواسته یا نکته ای را بی دلیل نپذیرد و با شک، به امور بنگرد. دانشجو، در دانشگاه، فرا می گیرد که در مقابل هر رویدادی، مکث و تأمل کند؛ در پس هر حادثه، ریشه ها و علل آن را ارزیابی کند و هر اتفاقی را تجزیه و تحلیل نماید. این روحیه که خصیصه ارزشمند اذهان زنده و فعال است، به دانشجو هویت مستقل فکری می بخشد و او را در زمره قشر روشنفکر و منتقد جامعه قرار می دهد.37 از این رو، دانشجوی سیاسی به عنوان فعال ترین و حساس ترین عضو دانشگاه، پرسش گر بوده، زبانی انتقادی و طلبکارانه دارد و به گفته مقام معظم رهبری «مبادا کسی تصور کند که اگر این زبان انتقادی حتّی یک کمی تلخ هم باشد، حالا بنده که این جا نشسته ام، ناراحت خواهم شد؛ نه، اتفاقاً خودِ این زبان انتقادی هم برخاسته از همان نگاه و توقعات آرمانی است. راضی نبودن به آن چه که داریم، معنایش میل و گرایشِ رسیدن به آن چیزی است که نداریم و این، درست همان چیزی است که ما می خواهیم».38 از این رو، دانشجویان باید انتقادات و نظرات انقلابی خود را به دور از هرگونه مصلحت اندیشی و با صداقت کامل، مطرح کنند؛ زیرا اگر دانشجو مصلحت اندیش باشد، مسئولین جامعه - نیز به طریق اولی - در تصمیم گیری های خود مصلحت اندیش می شوند.  **5. تولید علم، نوآوری و خلاقیت**  با توجه به اهمیت توسعه علمی که مبنای توسعه پایدار و همه جانبه در کشور است، وظیفه اول و حرفه ای دانشجوی سیاسی، ارتقای سطح علمی، تحقیقاتی و پژوهشی می باشد. دانشجویان باید در مقام شناسایی و برجسته نمودن مطالبات، خواسته ها و نیازهای واقعی جامعه برآمده، با استفاده از تحرک، شادابی و پویایی دوران جوانی خویش، در مسیر ارائه راه حل های علمی و خلق ایده های نو، برای نیل به مطالبات و خواسته های مردم، گام بردارند. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید: «یکی از فرایض حتمی برای این نسل، عبارت از تقویت بُنیه علمی کشور است. اگر علم نداشته باشیم، اقتصادمان، صنعتمان، حتی مدیریت و مسائل اجتماعی مان عقب خواهد ماند. برای مقابله با آنها (دشمنان)، علم لازم است. اگر بخواهید از لحاظ علمی پیش بروید، باید جرأت نوآوری داشته باشید. استاد و دانشجو، باید از قید و زنجیر، جزم گیری تعریف های علمی القا شده و دائمی دانستن آنها خلاص شوند... آن وقتی که علم با هدایت، ایمان و عواطف صحیح و معرفت روشن بینانه و آگاهانه همراه شود، معجزه های بزرگی می کند و کشور ما می تواند در انتظار این معجزه ها بماند».39 بر این اساس، حرکت در مسیر نظریه پردازی و نظریه سازی علمی، ضرورت می یابد.  **6. هوشیاری و حساسیت**  یکی از رسالت های دانشجویان، دقت و کندوکاو پیرامون پدیده هایی است که در دانشگاه ها به صورت جریانی، جناحی و غیرواقعی مطرح می شوند. دانشجوی سیاسی، با هوشیاری، صفا، صداقت و فراست خود، هدف از طرح برخی مسائل سیاسی و جریان سازی های انحرافی را که به دنبال بی تفاوت نمودن دانشجویان یا کشاندن آنان به صف مخالفین و معترضین و تبدیل دانشجو به عنوان پیاده نظام جریان های سیاسی هستند، به خوبی درمی یابد و موضع مناسب را اتخاذ می نماید. رهبر فرزانه انقلاب، در این زمینه می فرماید: «مجموعه های دانشجویی - که پایه اسلامی و پایه معرفتی دارند - در داخل دانشگاه، کاری نکنند که رقابت های آنها یا معارضه هایی که به نام رقابت انجام می گیرد، به تضعیف قوای این مجموعه های موءمن بینجامد. این مجموعه ها، همدیگر را حفظ کنند. من نمی گویم همه یک جور فکر کنند؛ همه یک جور سلیقه داشته باشند؛ نه ممکن است، نه لازم؛ لیکن از معارضه و تضعیف یکدیگر، جداً خودداری کنند. امروز... دشمن به طور ویژه، بر روی جریان های دانشجویی، سرمایه گذاری می کند تا بتوانند در محیط های دانشجویی نفوذ و رخنه کنند و برای خودشان سربازانی را در آن جا تدارک ببینند. این کار، با نام های مختلف دارد انجام می گیرد. امروز سرویس های جاسوسی امریکا و اسرائیل حتّی حرفی ندارند که به تشکل هایی در دانشگاه های ایران، کمک مالی بکنند که این تشکل، به حسب ظاهر، وابسته به توده ای های سابقند...یعنی برای معارضه با جریان دانشجویی اصیل و سالم - که همان جریان اسلامی و پایبند به معنویت و مفتخر به ایرانی بودن خود است - حاضرند زیر هر نامی، دانشجو را فعّال کنند؛ زیر نام توده ای، سلطنت طلب و نام های گوناگون. شماها، باید متوجه باشید».40  **7. مستقل بودن**  از آن جا که در مشارکت سیاسی، مباحثی نظیر کسب قدرت، اعمال نفوذ و... مطرح است، دانشجوی سیاسی، بدون ملاحظه نفوذها و فشارهای بیرونی و خواست مراکز قدرت، هدف و مسیر خود را به صورت مستقل و متناسب با نقش و جایگاه دانشگاه، شناسایی و ترسیم نموده، به اتخاذ سیاست ها و مواضع خویش می پردازد و اجازه نمی دهد تا گروه ها و افراد فرصت طلب، فرصتِ نفوذ در دانشگاه و تغییر اهداف جریان های اصیل دانشجویی را پیدا کنند. جریان اصیل دانشجویی، با تکیه بر عوامل سنجیده و خودآگاه، تنها به جوشش و پویایی درونی دانشگاه و پیشرفت و کارآمدی نظام اسلامی فکر می کند و سخن گو و نماینده منافع عمومی مردم می باشد؛ نه ابزار گروه های سیاسی. بر این اساس، دانشگاه، به عنوان نهادی که متعلق به همه مردم است، به هیچ وجه قابل مصادره توسط هیچ یک از احزاب، گروه ها و جریان های سیاسی نیست؛ زیرا در این صورت، دانشگاه ها تبدیل به باشگاه های سیاسی می شوند. جریان اصیل دانشجویی که برخاسته از واقعیات و دانشگاه باشد، به واسطه دارا بودن شجاعت، صداقت و نجابت، به هیچ وجه حاضر نخواهد بود که با گره خوردن با قدرت و ثروت، منزلت، اعتبار و نقش خود را تنزل دهد.41  **8. رعایت اصول اخلاقی و ارزش های دینی**  رفتارها، نوع کنش و واکنش دانشجوی سیاسی، براساس رعایت اصول اخلاقی، ارزش های دینی، احترام متقابل، ادب سیاسی و عقلانیت است؛ اصولی که لازمه فرهنگ سیاسی مشارکتی دینی می باشند. در واقع، رعایت اصول اخلاقی و ارزش های دینی ، حفظ حریم کرامت همه افراد می باشد. از این رو، لازم است تا رفتار سیاسی دانشجویان، براساس هنجارهای اجتماعی و دینی، ضابطه مند باشد. و از آن جا که قشر فرهیخته و دانشجوی ایرانی نیز برخاسته از متن چنین جامعه ای است، می توان احترام به اصول اخلاقی، ارزش ها و باورهای دینی و حرکت در این مسیر را از آنان انتظار داشت.  **9. قانون مداری**  حاکمیت قانون، در تمامی ارکان نظام و سطوح مختلف جامعه، از اهداف و آرمان های مهم دانشجوی سیاسی است. بر این اساس، یکی دیگر از ویژگی های دانشجوی سیاسی، آگاه بودن از چهارچوب های قانونی و حقوقی فعالیت های سیاسی و رعایت این ضوابط در تمام فعالیت های خویش می باشد. بدیهی است که التزام به رفتار قانونی از یک سو نمایان گر مشروع پنداشتن نظام ها و از سویی حاکی از عقلانیت رفتارکنندگان است و هر نوع حرکتی خارج از ضوابط پذیرفته شده و قانونی، نظیر خشونت و عدم تحمل سیاسی و...، نه تنها با واکنش لایه ها و سطوح مختلف جامعه مواجه خواهد شد، بلکه آثار زیان باری را نیز برای دانشگاه، مجموعه های دانشجویی و نظام اسلامی به دنبال خواهد داشت. بررسی حوادث تاریخی نیز به خوبی بیان گر این واقعیت است که بیشترین خطر و آفت برای نهضت های الهی و مردمی، اقدامات غیرقانونی و افراط و تفریط هاست. از این رو، نظام اسلامی همواره با حرکت های خودسرانه و غیرقانونی، مخالف بوده است. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می فرماید: «بارها گفته ام؛ باز هم تکرار می کنم؛ من معتقدم که جوان مملکت، بایستی در همه میدان ها حضور و آمادگی داشته باشد. منتها با انضباط. این گونه حرکاتی که ملاحظه شد، کسانی به دانشگاه حمله کنند، ناشی از بی انضباطی است و با هر نامی انجام بگیرد، غلط و محکوم است. اگر با نام دفاع از دین هم انجام بگیرد، غلط است اگر با نام دفاع از ولایت هم انجام بگیرد، غلط است. مگر من بارها نگفته ام که در اجتماعاتِ کسانی که مخالفند، هیچ کس نباید رفتار خشونت آمیز داشته باشد؛ چون این کار، دشمن را خوشحال می کند...».42  **جمع بندی**  سیاسی بودن دانشجو و مشارکت سیاسی دانشجویان با توجه به مؤلفه هایی نظیر جایگاه، نقش و کارکردهای مهم دانشجو در سطح نظام سیاسی و جامعه از یک سو و توجه به آموزه های اسلامی پیرامون ضرورت و ضوابط مشارکت سیاسی و بالاخره حدود و مقررات قانونی، تبیین و لزوم آن، اثبات می گردد. حد لازم سیاسی بودن، به معنای حساسیت در برابر سرنوشت خود و جامعه خویش، داشتن بینش و تحلیل سیاسی پیرامون مسائل داخلی و خارجی و جریان های موجود است و در مرحله بعد، تلاش فکری و عملی برای بهبود و پیشرفت کشور، از طریق فرایندهای مختلف علمی، پژوهشی، سیاسی، فرهنگی و...می باشد. از این رو، «افراط کاری سیاسی» و یا «انفعال و بی تفاوتی سیاسی»، مغایر حقوق، وظایف و جایگاه دانشجو می باشد و با آموزه های اسلامی، اصول نظام، منافع و امنیت ملی، استقلال، توسعه و پیشرفت مادی و معنوی کشور، در تضاد است. این موضوع را با سخن مقام معظم رهبری، در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل های مختلف دانشجویی، به پایان می رسانیم :  «مسئولیت شما سنگین است؛ هم باید درس را بخوانید، هم محیط سیاسی تان را بشناسید، هم روی محیط سیاسی اثر بگذارید و هم خودتان را از لحاظ فکری و روحی، آماده کنید؛ برای فردایی که بلاشک وزن این نظام متکی به معنویت - یعنی نظام جمهوری اسلامی - در معادلات جهانی بین المللی، ده برابر امروز خواهد شد. مطمئن باشید که ما چنین روزی را در پیش داریم و شما جوان های امروز، آن روز را خواهید دید. علی القاعده آن روز، ماها نیستیم؛ اما شماها هستید و خواهید دید آن روزی را که وزن و ثقل و اهمیت جمهوری اسلامی در معادلات جهانی - چه از لحاظ سیاسی، چه از لحاظ علمی و چه از لحاظ بیان افکار سازنده - ده برابر امروز است. باید خودتان را ان شاءاللَّه برای آن روز، آماده کنید».43  1. ر.ک: عسگری آملی، جنبش دانشجویی، امیدها و بیم ها، مجله پگاه حوزه، ش 106.  2. خلاصه بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه های سراسر کشور.  3. ر.ک: علی آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، تهران 1383، ص 522.  4. poltical participation, Lester W.Milbrath P 2.  5. حسین سیف زاده، تحول از مشارکت منفعلانه به مشارکت فعالانه، تأمل نظری، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تیرماه 1373، شماره 32.  6. ر. ک: مایکل رایش، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، سمت، تهران 1383، صص 124-130.  7. سید محمدناصر تقوی، تأثیر مشروعیت در مشارکت سیاسی، فصلنامه حکومت اسلامی، ش 20.  8. ر.ک: مرتضی شیرودی، مشارکت سیاسی: فرآیندها و برآیندها، مجله رواق اندیشه، ش 41.  9. جامعه و سیاست، ص 131.  10. Political Sociology, Robert E.Dows, London, p 296.  11. سید عباس صالحی، جنبش دانشجویی و تأثیر بر تحولات اجتماعی، باشگاه اندیشه.  12. ر.ک: حسین بشیریه، جامعه شناسی سیاسی، نشر نی، تهران 1378، ص 260.  13. محمدباقر خرمشاد، تاریخ جنبش دانشجویی ایران، تهیه و تنظیم حسین قویدل معروفی، انتشارات نجم الهدی، 1385، ص 37.  14. جامعه شناسی سیاسی، ص 261.  15. ر.ک: جنبش دانشجویی، امیدها و بیم ها.  16. بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، آذر 1378.  17. روزنامه شرق، 16 آذر 1383.  18. ر.ک: علی ربانی گلپایگانی، دین و دولت؛ محمدجواد نوروزی، نظام سیاسی اسلام، فصلنامه کتاب نقد، ش 21؛ سیدموسی میرمدرس، جامعه برین، مجله حوزه و دانشگاه، ش 1.  19. بقره، آیه 30.  20. ر.ک: سید محمدباقر صدر، خلافت انسان و گواهی انبیا، ترجمه دکتر جمال موسوی، انتشارات روزبه، تهران 1359، ص 1-10.  21. محمدتقی جعفری، حاکمیت خداوندی و حکمت اصول سیاسی اسلام، مجموعه مقالات دهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی، مجمع جهانی اهل بیت، تهران 1377، ص 314.  22. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 4، ص 22.  23. سید عبدالقیوم سجادی، مبانی فقهی مشارکت سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، ش 8.  24. مبانی حاکمیت مردمی در اسلام و اندیشه امام خمینی (مجموعه مقالات حکومت دینی در اندیشه امام)، ج 1، ص367.  25. صحیفه امام، ج 3، ص 42.  26. ر. ک: مبانی فقهی مشارکت سیاسی.  27. ر. ک: شریف لک زایی، بررسی تطبیقی نظریه های ولایت فقیه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم 1385، ص 139 - 181؛ محمد منصورنژاد، مبانی دینی مشارکت سیاسی، فصلنامه حکومت اسلامی، ش 37.  28. ر.ک: اصول 1، 3، 6، 7، 19، 20، 21، 23، 24، 26 و 27 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.  29. ر. ک: سیدحسین سیف زاده، مدرنیته و نظریه های جدید علم سیاست، نشر دادگستر، تهران 1379، ص 149.  30. خبرگزاری مهر، گفت وگو با مهندس محمدرضا طورانی، نایب دبیر مجمع اسلامی دانشجویان و دانش آموختگان ایران.  31. عبدالعلی قوام، توسعه سیاسی و تحول اداری، نشر قومس، تهران 1373، ص 8-12.  32. محمدرضا حکیمی، الحیاه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج 1، ص 135.  33. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل های مختلف دانشجویی.  34. ر. ک: جواد منصوری، شناخت و تحلیل سیاسی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد 1372.، ص 120.  35. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل های مختلف دانشجویی.  36. همان.  37. جنبش دانشجویی، امیدها و بیم ها.  38. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل های مختلف دانشجویی.  39. مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر.  40. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل های مختلف دانشجویی.  41. خبرگزاری مهر، گفت وگو با مهندس محمدرضا طورانی.  42. مقام معظم رهبری، روزنامه جمهوری اسلامی، 22 تیر 1378، ص 2.  43. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل های مختلف دانشجویی. |